

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، منافع خود را در تداوم جنگ غزه می بینند یا در آتش بس؟

دکتر هدی یوسفی



پژوهشگر مسائل منطقه غرب آسیا

پس از وقوع دور جدید تنش‌ها میان اسرائیل و فلسطین، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز مانند دیگر بازیگران منطقه و جهان، به موضع‌گیری و انجام اقداماتی متناسب با وضعیت ایجاد شده پرداختند. مسئله برای این کشورها، تا حدودی از پیچیدگی بیشتری برخوردار است؛ ملاحظات موجود برای کشورهای یاد شده، به دلیل مسئولیت دینی و قومی برای حمایت از ملت عرب و مسلمان فلسطین از یک سو و بازتعریف منافع عمل‌گرایانه که عادی‌سازی مناسبات دیپلماتیک با اسرائیل را ایجاب می‌کند، از سوی دیگر، دوراهی مخاطره‌آمیزی برای این کشورها ایجاد کرده است. با این حال پس از گذشت مدتی از منازعه، اقدامات بشردوستانه و تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ، نقطه اشتراک شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس و راه‌حلی منطقی برای عبور از دوراهی یاد شده، در نظر قرار گرفت. کشورهای عربستان، بحرین و امارات، با تأکید بر مسائل بشردوستانه، به جای مسائل سیاسی، در حال مدیریت محافظه‌کارانه وضعیت موجود هستند. در سوی دیگر اما عمان، کویت و قطر با آزادی عمل بیشتری، به حمایت از مردم غزه و محکوم کردن تمام اقدامات اسرائیل می‌پردازند. نوشتار حاضر به منافع کشورها در ارتباط با تداوم یا پایان جنگ فلسطین می‌پردازد.

مسیر تحولات، این‌گونه طی شود و تنش در بالاترین سطح خود تداوم یابد. در ابتدا قطر، اسرائیل را مسئول حملات حماس دانست، عربستان حملات بعدی اسرائیل را محکوم نمود، بحرین تنها از ناامنی در منطقه ابراز نگرانی کرد اما امارات متحده عربی اعلام کرد اسرائیل حق دفاع از امنیت ملی خود در برابر حماس را دارد. کویت و عمان نیز بیان کردند که حملات حماس در نتیجه اشغال غیرقانونی غزه توسط اسرائیل و حملات این رژیم به اماکن مقدس مسلمانان بوده است.

(۲) بیانیه اولیه شورای همکاری خلیج فارس نیز چکیده مواضع کویت، عمان و قطر بود. در ادامه اما تمام شش کشور، خواهان آتش بس شدند. در این سیر تحول، کشورها ناگزیر از تعدیل مواضع خود نیز بوده‌اند. قطر برای ایفای نقش میانجی‌گری، راهی جز تعامل با رهبران اسرائیل نداشت. (۳) در دیگر سو، امارات نیز به دلیل نیاز جدی به پایان جنگ، اظهارات بعدی خود را با محافظه‌کاری بیشتری ارائه کرد تا در راستای برقراری آتش بس از تمام ابزارهای که در اختیار داشت، بهره ببرد. (۴)

چرا برقراری آتش بس برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس اهمیت دارد؟

مجموعه‌ای از دلایل وجود دارد که سبب می‌شود کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس به‌طور کلی خواهان برقراری ثبات و امنیت در منطقه باشند؛ در ابتدا نیاز این کشورها به جذب سرمایه‌گذاران خارجی سبب شده است تا در طی یک دهه اخیر، همواره به دنبال کاستن از احتمال تنش و منازعه در بیشتر پرونده‌های منطقه‌ای باشند. اگر فضای کلی منطقه

پس از آنکه حماس در عملیات طوفان الاقصی، دور جدیدی از تحولات در صحنه منطقه و در مسئله فلسطین را رقم زد و نیز پس از حملات ویرانگر اسرائیل به غزه، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که به‌عنوان اعضای جهان عرب و نیز جهان اسلام، قطعه‌های مهمی از پازل برای تعیین وضعیت موضع‌گیری در رابطه با این تنش‌ها به‌شمار می‌آیند، مسئولیت مهمی در رابطه با چگونگی اعلام مواضع خود داشتند؛ به‌گونه‌ای که نه چهره خود به‌عنوان حامیان برادران مسلمان در فلسطین را مخدوش سازند و نه احتمال ارتقای روابط با رژیم صهیونیستی را برای همیشه مختل سازند.

پیش از در نظر گرفتن مواضع اولیه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، باید توجه داشت زمانی که از این کشورها سخن به میان می‌آید، در واقع طیفی از وضعیت‌ها مورد توجه است؛ (۱) چرا که همه شش کشور این شورا، در وضعیت مشابهی نسبت به اسرائیل قرار ندارند؛ بحرین و امارات در یک سر این طیف پس از توافق ابراهیم، به عادی‌سازی کامل روابط با رژیم صهیونیستی پرداختند؛ در سوی دیگر طیف، کویت با موضعی سرسختانه، هرگونه ارتباط و به رسمیت شناختن اسرائیل را محکوم می‌کند. در میانه نیز عربستان، عمان و قطر در عین مهم شمردن آرمان فلسطین، به هم‌زیستی عملی با اسرائیل نیز اعتقاد دارند.^۱

مواضع اولیه شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، با مواضع بعدی آنها تفاوت قابل توجهی داشت؛ چرا که در ابتدا این تصور وجود نداشت که

۱. این هم‌زیستی عملی برای عربستان به منزله مذاکره برای عادی‌سازی روابط و در رابطه با قطر و عمان، بیشتر ناظر بر میانجی‌گری است.



جنگ، صنعت توریسم در کشورهای نام برده دچار آسیب جدی خواهد شد؛ بنابراین پایان هر چه زودتر جنگ، سبب جلوگیری از ضررهای بیشتری می‌گردد. افزون بر این، در رابطه با منازعه فلسطین و اسرائیل به طور خاص، بیش از هر چیز، دو مسئله، زمینه‌ساز گرایش کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به آتش‌بس به شمار می‌آید؛ نخست رویای گسترش توافق صلح ابراهیم و دوم مسئله آوارگان فلسطینی. زمانی که امارات و بحرین در توافقی با عنوان صلح ابراهیم، رژیم صهیونیستی را به رسمیت شناختند و به برقراری روابط دیپلماتیک با دولت اسرائیل پرداختند، به دنبال اثبات این فرضیه غیرمنطقی بودند که عادی‌سازی روابط با اسرائیل می‌تواند بدون هیچ‌گونه ارتباطی با مسئله فلسطین انجام شود.

برای سرمایه‌گذار خارجی ناامن به نظر برسد، احتمال سرمایه‌گذاری به میزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت و این امر برای کشورهای جنوب خلیج فارس که عمده پروژه‌های توسعه محور خود را به پشتوانه حضور سرمایه‌گذاران خارجی به پیش می‌برند، به منزله یک ورشکستگی نابودگراست.

صنعت توریسم نیز به همین منوال نیاز مبرمی به امنیت، ثبات و صلح در کشور توریست‌پذیر و به‌طور کلی در جغرافیای اطراف این کشور دارد. کشورهایمانند امارات، قطر و به‌تازگی عربستان، سرمایه‌گذاری بسیاری در زیرساخت‌های خود در حوزه توریست‌پذیری کرده‌اند؛ بخشی از تلاش این کشورها برای بهبود روابط با جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل جلوگیری از امکان تنش با ایران و ایجاد محیطی ایمن برای گردشگران خارجی بود. اکنون با وقوع و تداوم

در تحولات و منازعات اخیر فلسطین، بی‌پایه‌و‌اساس بودن این فرضیه اثبات شد و بار دیگر آشکار شد که بدون هیچ پیشرفتی در مسئله فلسطین نمی‌توان به بازتعریف مناسبات با اسرائیل پرداخت. اکنون پس از حملات وحشیانه اسرائیل به غزه، بار دیگر غول افکار عمومی سربرآورده است و امارات و بحرین، دوباره محکوم به مبارزه با افراد حقیقی، کاربران شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌هایی هستند که عادی‌سازی روابط با اسرائیل را زمینه‌ساز وقوع چنین تنش‌هایی می‌دانند؛ به عبارت دیگر پس از تنش‌های اخیر، دارا بودن روابط رسمی با اسرائیل، بیش از هر زمان دیگری برای دو کشور یاد شده، هزینه بر در دارد؛ بنابراین این کشورها تلاش برای آتش‌بس را راه‌گیزی از وضعیت کنونی ارزیابی می‌کنند. (۵)

شرایط برای عربستان نیز دشوار است؛ دولت سعودی قصد داشت در ازای توافقنامه دفاعی متقابل با ناتو، دریافت کمک برای توسعه صنعت هسته‌ای و نیز خریداری تسلیحات پیشرفته از ایالات متحده آمریکا، به عادی‌سازی مناسبات دیپلماتیک با اسرائیل بپردازد. محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی نیز در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز اشاره کرده بود که در حال نزدیک شدن به بزرگ‌ترین معامله تاریخی هستیم. در حال حاضر اما به نظرمی‌رسد هرگونه احتمالی برای ایجاد توافق میان ریاض و تل‌آویو، دست کم برای مدتی محدود، دروازه‌بند است. عربستان قصد دارد که در عین حفظ چهره خود به عنوان حامی آرمان فلسطین، برای پایان بخشیدن به جنگ تلاش کند تا هزینه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، بیش از این افزایش نیابد. موضوع مهم و تأثیرگذار دیگر، پیامدهای ناشی از مهاجرت اجباری آوارگان فلسطینی است. در سال

۱۹۴۸ و پس از شکل‌گیری اسرائیل، حدود ۷۰۰ هزار فلسطینی، آواره شدند. در سال ۱۹۶۷ و به دنبال تصرف کرانه باختری و نوار غزه، به دست رژیم صهیونیستی نیز بیش از ۳۰۰ هزار فلسطینی، محکوم به کوچ اجباری از خانه‌های خود شدند و این روند ادامه یافت تا اکنون شمار آوارگان فلسطینی به ۶ میلیون نفر رسیده است. (۶)

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، از موج جدید آوارگان فلسطینی هراس دارند و در تلاش هستند تا با پایان بخشیدن به جنگ، در سریع‌ترین زمان ممکن از تعداد آوارگان بکاهند و یا با ارائه کمک‌های بشردوستانه به ساکنان غزه، مانع از جابه‌جایی آنها شوند تا مجبور به پذیرش چالش برانگیز آوارگان فلسطینی در کشورهای خود نباشند. (۷)

بنا به دلایلی که گفته شد، کشورهای جنوب خلیج فارس در روزهای سپری شده پس از آغاز عملیات الاقصی، در تلاش برای برقراری آتش‌بس بوده‌اند؛ عربستان از تأثیرگذاری خود در جهان عرب و جهان اسلام استفاده نمود و اعلام کرد تمام تلاش ممکن برای برقراری ارتباط با همه طرف‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را برای توقف تنش‌ها به کار خواهد بست. (۸) امارات متحده عربی، از عضویت خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد استفاده کرد و درخواست جلسه اضطراری برای صدور قطعنامه‌ای الزام‌آور، با هدف توقف بشردوستانه جنگ نمود.^۱

۱. علاوه بر آنچه گفته شد، امارات بیش از ۶ میلیارد دلار تجارت دو جانبه با اسرائیل دارد، میزبان ده‌ها هزار نفر از گردشگران اسرائیلی در فصول مختلف است و بخش عمده سلاح‌ها و سامانه‌های دفاع هوایی خود را از تل‌آویو خریداری می‌کند. براین اساس، در تلاش است با تلاش‌های دیپلماتیک، به جنگ پایان بخشد تا در ادامه مجبور به گرفتن موضعی که منافع کشور را تضعیف می

ایجاد کشور مستقل فلسطینی به پایتختی قدس شرقی است.

باین حال آنچه در جریان تنش‌های اخیر به‌ویژه برای کشورهای جنوب خلیج فارس که منطقه توسعه یافته جنوب غرب آسیا به شمار می‌آیند، آشکار شد؛ این مسئله بود که آنها در حال ساختن خاورمیانه جدید بر روی زمینی بسیار شکننده هستند.

منابع

- 1-<https://arabcenterdc.org/resource/gcc-states-and-the-war-on-gaza-positions-perceptions-and-interests/>
- 2-<https://amwaj.media/media-monitor/escalation-of-israeli-palestinian-conflict-divides-gulf-arab-states-duplicate>
- 3-<https://carnegieendowment.org/sada/91002>
- 4-<https://www.theguardian.com/world/2023/oct/29/uae-calls-emergency-unsecurity-council-meeting-to-see-pause-to-gaza-fighting>
- 5-<https://www.thehindu.com/news/international/uae-plans-to-maintain-ties-with-israel-despite-gaza-outcry-report/article67524576.ece>
- 6-<https://apnews.com/article/palestinian-jordan-egypt-israel-refugee-502c06d004767d4b64848d878b66bd3d>
- 7-<https://global.chinadaily.com.cn/a/202310/27/WS653ba87aa31090682a5eb2a9.html>
- 8-<https://aawsat.com>

عمان، کویت و بحرین نیز از یک سو با کمک‌های بشردوستانه، به دنبال کاستن از پیامدهای انسانی جنگ بودند و از سوی دیگر، به‌وسیله رایزنی با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، در راستای برقراری آتش‌بس تلاش می‌کنند. در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، قطر موقعیت ویژه و نقش آفرینی موفق در تنش‌های اخیر فلسطین داشته است؛ از ابتدا قطر پیشنهادی ناظر بر میانجی‌گری هم برای آزادسازی اسرا و هم برای آتش‌بس ارائه کرد؛ در ادامه و با موفقیت‌های مقطعی دوحه، قطر به قلب مذاکرات دیپلماتیک برای آزادسازی اسرا تبدیل شد. (۹)

برای قطر، فارغ از مسائل یاد شده، خطرات دیگری نیز وجود دارد. از آنجا که دوحه میزبان دفتر سیاسی حماس بود، در حالی که آمریکا سال‌ها قبل، حماس را گروهی تروریستی خوانده بود و پس از طوفان الاقصی، اعضای حماس را هم تراز داعش معرفی کرد، لازم است قطر از کانال ارتباطی خود با حماس در راستای منافع آمریکا و اسرائیل بهره‌برد و آزادسازی اسرا را تسهیل نماید تا مجبور به پرداخت هزینه‌هایی از جمله تحریم به دلیل میزبانی و دارا بودن مناسبات نزدیک با حماس نشود؛ نقشی که تاکنون به خوبی ایفا کرده است.

تلاش‌های کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای آتش‌بس، نتیجه‌بخش خواهد بود؟

تاکنون برخی از اقدامات کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس به‌ویژه عربستان و قطر، منجر به توقف موقت تنش‌ها شده است؛ باین حال، تنها راه دستیابی به امنیت، صلح و ثبات، پایان اشغال، محاصره و شهرک‌سازی‌های اسرائیل در نوار غزه و کرانه باختری و بر اساس دیدگاه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس،